

پایه‌نامه حقوق پدیدآوران در آثار ادبی

۱۱۰۲۰۷



دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته‌ی روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی

بررسی عوامل مرتبط با میزان سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان کم‌توان
ذهنی آموزش‌پذیر و تاب‌آوری در والدین

توسط :

سمیه زرین‌کلاه

استاد راهنما :

دکتر لعیا بشاش

آذرماه ۱۳۸۷

۸۷/۱/۱۰
۸۵۹۲

۸۸/۱/۳۳

فصلنامه علمی پژوهشی
روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

۱۳۸۸ / ۱ / ۱۵

۱۱۰۲۰۷

به نام خدا

بررسی عوامل مرتبط با میزان سازگاری با ناتوانی در دانش آموزان
کم توان ذهنی آموزش پذیر و تاب آوری در والدین

به وسیله:
سمیه زرین کلاه

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از
فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته:
روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی

از دانشگاه شیراز
شیراز
جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی

دکتر لعیاء بشاش، استادیار بخش روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی (رئیس کمیته)

دکتر شهلا البرزی، دانشیار بخش روان شناسی و آموزش کودکان استثنایی

دکتر مرتضی لطیفیان، دانشیار بخش روان شناسی تربیتی

آذرماه ۱۳۸۷

تقدیم به :

مادرم

دریایی بیکران از عشق و ایثار

پدرم

اولین معلم اخلاق و انسانیت

و همسرم

همراه مهربان زندگیم

سیاسگزاری

سیاس حقیقی خداوندی را سزد که بشر را از ظلمات وهم به نور فهم هدایت نمود و درود بیکران بر خلائق برگزیده‌اش محمد مصطفی (ص) و سلاله‌ی پاک و مطهرش. هر آغازی را پایانی است و در آستانه‌ی هر پایان آغازی دیگر تعریف می‌شود، این مرحله نیز مانند تمام مراحل و حوادث کوچک و بزرگ زندگی بگذشت، اما در کشاکش این تغییر، این تحول و این آغاز و پایان متداوم، آنچه جاودان می‌ماند اندیشه‌ای است که در پس این افق و خیز عیان پنهان است. اندیشه‌ای که بر همه چیز به دید موقت می‌نگرد. همه چیز را در تغییر و تحول دیدن و همه چیز را بی‌اعتبار و گذرا نگرستن. به راستی اگر چنین دید، چه باک از غم‌ها و چه امید به شادی‌ها. در این گذران آنچه نیک می‌ماند خوبی و خاطرات شیرینی است که از دوستان به یاد می‌ماند. از ابتدای انجام این پژوهش تا کنون از رهنمودهای بی‌شائبه‌ی استاد عزیزم سرکار خانم دکتر لعیا بشاش که زحمت راهنمایی این پایان نامه را تقبل فرمودند برخوردار بوده‌ام. آنچه در این پژوهش آمده است در حقیقت درسی است که در حضور ایشان آموخته‌ام اگر چه در بیان مطلب به نحو احسن ادای دین نکرده‌ام لیکن؛ آنچه قصور است از نگارنده‌ی سطور است و ملاحظتی اگر باشد به واسطه‌ی درک علم است و کسب نور. همچنین از اساتید مشاور پایان‌نامه سرکار خانم دکتر شهلا البرزی و جناب آقای دکتر مرتضی لطیفیان که در پیمودن این مسیر از هیچ گونه لطف و محبتی دریغ ننمودند و همواره چراغ راهم بودند صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم. از دیگر اساتید بخش روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی سرکار خانم سیما شهیم و سرکار خانم دکتر دیبا سیف که در طول دوران تحصیل افتخار شاگردیشان را داشته‌ام و همچنین از کارکنان بخش خانم رنجبر و آقای کاظمی کمال تشکر را دارم. از تمامی دانش‌آموزان، والدین، معلمان، مدیران و مشاوران مدارس آموزش ویژه کودکان کم‌توان ذهنی در نواحی چهارگانه شهر شیراز که در تکمیل پرسشنامه‌های پژوهش دقت و همکاری لازم را مبذول داشتند بی‌نهایت سپاسگزارم. محبت، همکاری و همراهی دوستان خوبم خانم‌ها کوهگرد، صلاح، صداقت، سلیمانی، مختاریور، محمدی، ایزدی، رهنما و دیگر دوستان و همکلاسی‌های مهربانم را صمیمانه ارج می‌نهم. از تک تک اعضای خانواده‌ام که در همه شرایط یاریم کردند و خوبی و لطفشان همواره شامل حالم بوده صمیمانه تشکر و قدردانی می‌کنم. همچنین از همسر عزیزم که در به اتمام رساندن هر چه بهتر این رساله یاریم نمودند بی‌نهایت سپاسگزارم. در پایان خاضعانه بر آستان پر مهر پدر و مادر عزیزم که همه‌ی هستی‌ام مدیون محبت بی‌ادعایشان است، سر فرود می‌آورم و بر دستان پرمهرشان بوسه می‌زنم.

سلامتی، سعادت و موفقیت همه‌ی این عزیزان را از درگاه خداوند منان خواستارم. لطف حق فرا راه همیشگیشان باد.

که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

همتم بدرقه‌ی راه کن ای طایر قدس

چکیده

بررسی عوامل مرتبط با میزان سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و تاب‌آوری در والدین

به وسیله‌ی :

سمیه زرین کلاه

هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل مرتبط با میزان سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و تاب‌آوری در والدین این دانش‌آموزان بود. بدین منظور ۱۵۷ نفر از والدین دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر در پایه‌های اول و پنجم دبستان (۷۹ دختر و ۷۸ پسر) از مراکز آموزش ویژه کودکان کم‌توان ذهنی شهر شیراز انتخاب شدند و دو پرسشنامه سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی (پری و بارد، ۲۰۰۰) و تاب‌آوری در والدین (کارسون، ۱۹۹۷) را تکمیل نمودند. روایی هر دو مقیاس با استفاده از روش همسانی درونی و پایایی آنها از دو روش بازآزمایی و ضریب آلفای کرونباخ، به صورت مطلوب احراز گردید. نتایج نشان داد؛ بین میزان سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و تاب‌آوری در والدین همبستگی مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین نتایج حاصل از تحلیل واریانس دو طرفه نشان داد بین میزان سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی با توجه به پایه تحصیلی آنها تفاوت معنی‌داری وجود دارد، این تفاوت بین میزان سازگاری دختران و پسران مشاهده نشد. یافته‌ها تفاوت معنی‌داری را بین میزان تاب‌آوری والدین دانش‌آموزان دختر و پسر در پایه‌های اول و پنجم نشان ندادند. همچنین نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک‌طرفه، بین میزان تاب‌آوری والدین با توجه به سطوح مختلف تحصیلات پدران تفاوت معنی‌دار را نشان داد، این تفاوت در سطوح مختلف تحصیلات مادران مشاهده نشد. در پایان نتایج مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پیشنهادات کاربردی و پژوهشی ارائه گردید.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: کلیات
۱	۱-۱- مقدمه
۵	۲-۱- بیان مسأله
۶	۳-۱- اهمیت و ضرورت مسأله
۸	۴-۱- اهداف تحقیق
۸	۵-۱- تعاریف مفهومی متغیرها
۸	۱-۵-۱- تاب‌آوری
۹	۲-۵-۱- سازگاری با ناتوانی
۱۰	۳-۵-۱- ناتوانی ذهنی
	فصل دوم: مبانی نظری و تحقیقات پیشین
۱۲	۱-۲- مبانی نظری
۱۲	۱-۱-۲- نظریه نظام‌های خانوادگی
۱۵	۲-۱-۲- نظریه استرس و سازگاری
۱۶	۳-۱-۲- مدل بوم‌شناختی
۱۸	۴-۱-۲- مدل استرس در خانواده‌های کودکان ناتوان رشدی
۲۱	۵-۱-۲- مدل پری و بارد
۲۳	۶-۱-۲- مدل دوبل ABCX
۲۵	۲-۲- تحقیقات پیشین
۲۵	۱-۲-۲- مروری بر تحقیقات پیشین
۲۵	۱-۲-۲- سازگاری با ناتوانی
۲۹	۲-۲-۱- تاب‌آوری

۳۲	۲-۲-۱-۳- واکنش والدین به ناتوانی کودک
۳۵	۲-۲-۱-۴- شیوه‌های سازگاری در بین پدران و مادران
۳۸	۲-۲-۱-۵- وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده
۴۰	۲-۲-۱-۶- تأثیر سن کودک بر سازگاری و تاب‌آوری والدین
۴۱	۲-۲-۱-۷- خلاصه و نتیجه‌گیری از تحقیقات انجام شده
۴۲	۲-۳- سوالات تحقیق
۴۳	۲-۴- تعاریف عملیاتی متغیرها
۴۳	۲-۴-۱- سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی
۴۳	۲-۴-۲- تاب‌آوری در والدین دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی
۴۳	۲-۴-۳- دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر
	فصل سوّم: روش تحقیق
۴۴	۳-۱- جامعه‌ی آماری
۴۴	۳-۲- نمونه و روش نمونه‌گیری
۴۵	۳-۳- ابزار پژوهش
۴۵	۳-۳-۱- مقیاس سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان ناتوان ذهنی
۴۶	۳-۳-۱-۱- خرده مقیاس‌های سازگاری با ناتوانی
۴۷	۳-۳-۱-۲- پایایی مقیاس سازگاری با ناتوانی
۴۸	۳-۳-۱-۳- روایی مقیاس سازگاری با ناتوانی
۴۸	۳-۳-۲- مقیاس تاب‌آوری در والدین
۴۹	۳-۳-۱-۲- ابعاد مقیاس تاب‌آوری در والدین
۵۱	۳-۳-۲-۲- پایایی مقیاس تاب‌آوری در والدین
۵۲	۳-۳-۲-۳- روایی مقیاس تاب‌آوری در والدین
۵۲	۳-۴- روش‌های آماری تجزیه و تحلیل اطلاعات
	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها
۵۳	۴-۱- یافته‌های توصیفی
۵۶	۴-۲- یافته‌های استنباطی

فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۶۸	۱-۵- مقدمه
۶۸	۲-۵- تحلیل سؤالات پژوهش
۷۲	۳-۵- نتیجه گیری و کاربرد نتایج
۷۴	۴-۵- موانع و محدودیتها
۷۴	۵-۵- پیشنهادات پژوهش
۷۴	۱-۵-۵- پیشنهادات کاربردی
۷۵	۲-۵-۵- پیشنهاداتی جهت پژوهشهای آتی
۷۶	فهرست منابع
۷۶	الف) منابع فارسی
۷۷	ب) منابع انگلیسی

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۴۶	جدول ۱-۳- خرده مقیاس‌ها، ابعاد و گویه‌های مربوطه در مقیاس سازگاری با ناتوانی
۴۷	جدول ۲-۳- آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌ها و ابعاد مقیاس سازگاری با ناتوانی
۴۹	جدول ۳-۳- ابعاد و گویه‌های مربوطه در مقیاس تاب‌آوری والدین
۵۳	جدول ۱-۱-۴- توزیع فراوانی گروه نمونه بر حسب جنسیت و پایه تحصیلی
۵۴	جدول ۲-۱-۴- توزیع فراوانی پاسخ‌گویان
۵۴	جدول ۳-۱-۴- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات مادر و پدر
۵۵	جدول ۴-۱-۴- میانگین و انحراف معیار نمرات خام ابعاد پرسشنامه سازگاری با ناتوانی
۵۵	جدول ۵-۱-۴- میانگین و انحراف معیار نمرات خام ابعاد پرسشنامه تاب‌آوری در والدین دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی
۵۷	جدول ۱-۲-۴- ماتریس همبستگی بین سازگاری با ناتوانی (و ابعاد آن) در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی با میزان تاب‌آوری (و ابعاد آن) در والدین
۵۸	جدول ۲-۲-۴- میانگین و انحراف معیار نمرات سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی با توجه به جنسیت و پایه‌ی تحصیلی
۵۸	جدول ۳-۲-۴- نتایج تحلیل واریانس میزان سازگاری با ناتوانی با توجه به جنسیت، پایه تحصیلی و اثر تعاملی این دو
۶۰	جدول ۴-۲-۴- میانگین و انحراف معیار نمرات میزان تاب‌آوری در والدین با توجه جنسیت و پایه‌ی تحصیلی دانش‌آموز
۶۰	جدول ۵-۲-۴- نتایج تحلیل واریانس میزان تاب‌آوری در والدین با توجه به جنسیت، پایه تحصیلی و اثر تعاملی این دو

- جدول ۴-۲-۵-۱- جدول ۴-۲-۵-۲- میانگین نمرات، انحراف معیار و تحلیل واریانس میزان تاب‌آوری در والدین با توجه به سطوح مختلف تحصیلات مادر ۶۱
- جدول ۴-۲-۵-۲- میانگین نمرات، انحراف معیار و تحلیل واریانس میزان تاب‌آوری در والدین با توجه به سطوح مختلف تحصیلات پدر ۶۲
- جدول ۴-۲-۵-۱- میانگین نمرات، انحراف معیار و تحلیل واریانس میزان سازگاری با ناتوانی با توجه به سطوح مختلف تحصیلات مادر ۶۳
- جدول ۴-۲-۵-۲- میانگین نمرات، انحراف معیار و تحلیل واریانس میزان سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان با توجه به سطوح مختلف تحصیلات پدر ۶۳
- جدول ۴-۲-۵-۳- میانگین نمرات، انحراف معیار و تحلیل واریانس خرده‌مقیاس حل مسأله‌ی ناتوانی در دانش‌آموزان با توجه به سطوح مختلف تحصیلات مادر ۶۴
- جدول ۴-۲-۵-۴- میانگین نمرات، انحراف معیار و تحلیل واریانس خرده‌مقیاس حل مسأله ناتوانی در دانش‌آموزان با توجه به سطوح مختلف تحصیلات پدر ۶۵
- جدول ۴-۲-۵-۵- میانگین نمرات، انحراف معیار و تحلیل واریانس خرده‌مقیاس مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان با توجه به سطوح مختلف تحصیلات مادر ۶۵
- جدول ۴-۲-۵-۶- میانگین نمرات، انحراف معیار و تحلیل واریانس خرده‌مقیاس مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان با توجه به سطوح مختلف تحصیلات پدر ۶۶
- جدول ۴-۲-۵-۷- میانگین نمرات، انحراف معیار و تحلیل واریانس خرده‌مقیاس توانایی تشخیص موقعیت‌ها در دانش‌آموزان با توجه به سطوح مختلف تحصیلات مادر ۶۶
- جدول ۴-۲-۵-۸- میانگین نمرات، انحراف معیار و تحلیل واریانس خرده‌مقیاس توانایی تشخیص موقعیت‌ها در دانش‌آموزان با توجه به سطوح مختلف تحصیلات پدر ۶۷

فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۱۸	شکل ۱- مدل بوم شناختی برونفنبرگر
۲۱	شکل ۲- مدل استرس در خانواده‌های کودکان ناتوان رشدی (پری، ۲۰۰۶)
۲۲	شکل ۳- مدل پری و بارد (۲۰۰۰)
۲۳	شکل ۴- مدل دوبل ABCX

فصل اوّل

کلیات

۱- کلیات

۱-۱- مقدمه

قرن حاضر، قرن دگرگونی‌های بسیار است. از یک سو پیچیدگی روز افزون جامعه، ساختار خانواده را عمیقاً دگرگون ساخته و از سوی دیگر، فرصت‌ها را برای پرداختن به مسائل و مشکلات خانواده کاهش داده است. در این قرن والدینی که دارای فرزند نابهنجار هستند، به لحاظ مسائل و مشکلاتی که معلولیت فرزند به آنان تحمیل می‌کند با مسئولیت‌های اضافی روبرو می‌شوند. از طرف دیگر آن‌ها امکانات و زمان لازم برای انجام مسئولیت‌های آموزشی، تربیتی و بهداشتی فرزند خود را نمی‌توانند فراهم سازند. این مسأله، سرانجام موجب فشارهای مضاعف بر والدین شده و بر تعامل روانی-اجتماعی آن‌ها اثرات مخربی به جای می‌گذارد.

فرین، لی، برون، تانسی، تسچوپ و پرونیستر^۱ (۲۰۰۷)، بیان می‌دارند که هم خانواده و هم خود شخص ناتوان از عوامل درگیر با ناتوانی تأثیر می‌پذیرند. حتی مطالعات نشان داده‌اند که خانواده در این فرایند اساساً بیشتر از خود شخص ناتوان تأثیر می‌پذیرد. تامپسون^۲ (۲۰۰۰؛ به نقل از پرایتزلف^۳، ۲۰۰۱)، خانواده را به عنوان اساس و پایه‌ای برای رشد، اجتماعی شدن و شکل‌گیری نقش‌های جنسیتی برای کودکان می‌داند و تربیت فرزند را به طور کلی به عنوان امری تنش‌زا تلقی می‌کند. او وجود فرزند ناتوان در خانواده را به عنوان یکی از وقایع بسیار استرس‌آور زندگی به حساب می‌آورد.

خانواده‌های کودکان ناتوان ذهنی همانند همه‌ی خانواده‌ها سیستم‌های پیچیده‌ای دارند، این سیستم‌ها خود نیز متشکل از اجزاء و خرده سیستم‌های متعددی می‌باشند که بسیار وابسته و متصل به هم هستند. تغییر در یکی از این بخش‌ها کل سیستم خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تعادل خانواده را به عنوان یک واحد کلی بر هم می‌زند. اغلب خانواده‌ها خواستار این هستند که بعد از تغییری که در نقش‌ها و درخواست‌های آنها پیش می‌آید، هم‌چنان تعادل حیاتی خود را حفظ کنند. داشتن کودک عقب‌مانده ذهنی به

1 - Frain, Lee, Berven, Tansey, Tschopp & Chronister

2 - Thompson

3 - Pritzlaff

عنوان یکی از هزاران مشکلی که خانواده ممکن است با آن روبرو شود، تأثیر نافذی را بر هویت، ساختار، نقش‌ها و ارتباطات خانواده می‌گذارد (سینگر و پاورز^۱، ۱۹۹۳).

ترنبال^۲ و ترنبال (۱۹۹۰) معتقدند؛ فشار ناشی از ناتوانی فرزند به عنوان یک متغیر مداخله‌گر می‌تواند اثرات زیان‌باری بر تصمیم‌گیری مربوط به زندگی روانی-اجتماعی اعضای خانواده به جای بگذارد. در واقع کیفیت زندگی در نزد والدین کودک ناتوان، دست‌خوش دگرگونی می‌شود و رضایت‌مندی آنها را از زندگی کاهش می‌دهد که یکی از دلایل این مسأله بار مالی اضافی است که بر دوش خانواده‌ها و به ویژه خانواده‌های طبقه متوسط و فقیر دارد.

عوامل فشارزای روانی متعددی بر خانواده‌های کودکان مبتلا به ناتوانی وارد می‌شود. یکی از آنها مسئولیت‌هایی است که داشتن یک کودک ناتوان بر خانواده وارد می‌کند و نکته‌ی دیگر تمرکز بر چرخه‌ی زندگی و اثرات معلولیت کودک بر خانواده است، به گونه‌ای که این اثر در سراسر چرخه‌ی زندگی حرکت می‌کند و این‌که چگونه خانواده با فشار روانی که یک کودک ناتوان می‌تواند داشته باشد مقابله می‌کند ترنبال و ترنبال، سامرز و برادرسون^۳ (۱۹۸۴؛ به نقل از وان رایپر^۴، ۲۰۰۷).

گالاگر، بکمن و کروس^۵ (۱۹۸۳)، منابع فشارزای روانی در خانواده‌های کودکان ناتوان را به چهار طبقه تقسیم می‌کنند: ۱- عوامل وابسته به کودک: ماهیت و شدت ناتوانی کودک، سن کودک، واکنش‌های اجتماعی و رفتاری کودک؛ ۲- عوامل وابسته به والدین: دیدگاه والدین در مورد ناتوانی کودک و درک شرایط آن، روابط زناشویی، حمایت والدین؛ ۳- عوامل خانوادگی: وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، تعداد کودکان موجود در خانواده؛ ۴- عوامل اجتماعی: نوع نگرش اجتماع به ناتوانی و آینده تحصیلی و شغلی کودک.

در حالی که تولد کودکی ناتوان به عنوان چالشی برای والدین محسوب می‌شود، تحقیقات پیشین نشان می‌دهند بسیاری از خانواده‌ها قادرند خود را با شرایط به وجود آمده وفق داده و در مقابل آن مقاومت کنند. سازگاری با استرس؛ به سبک زندگی، روابط اجتماعی و شاید بتوان گفت بیشتر از همه به شجاعت یعنی توانایی فرد برای روبرو شدن با خطرات بدون ترس از آنها بستگی دارد (هارت شورن^۶، ۲۰۰۲).

1 - Singer & Powers

2 - Turnbull

3 - Summers & Brotherson

4 - Van Riper

5 - Gallagher, Beckman & Cross

6 - Hartshorn

پژوهش‌ها نیروهایی را که چطور یک خانواده می‌تواند به خوبی با کودک ناتوان یا موقعیت استرس‌زا کنار آید را شناسایی کرده‌اند (مک کوپین^۱ و پاترسون، ۱۹۸۳). این منابع عبارتند از:

۱- واقعی استرس‌زا: واقعی استرس‌زا شرایطی است که استرس را فراخوانی می‌کند. کوک ناتوان، از این نظر می‌تواند یک واقعی استرس‌زا تلقی شود. در این صورت درجه‌ی استرس تولید شده تابعی از ناتوانی کودک یا نیاز او به مراقبت خواهد بود. ناتوانی زیادتر یا نیاز به توجه و مراقبت پیوسته، میزان استرس و احتمال پیامدهای منفی را بیشتر می‌کند.

۲- منابع خانوادگی: منابع اقتصادی خانواده و حضور خدمات حمایتی حرفه‌ای بسیار مهم هستند. هر چه حمایت‌ها و منابع حمایتی بیشتر باشند، احتمال بروز پیامدهای مثبت و کاهش پیامدهای منفی بیشتر می‌شود.

۳- ادراک خانواده از موقعیت: خانواده‌ها معمولاً احساس‌های متفاوتی از داشتن یک کودک ناتوان دارند. برخی آن را یک مصیبت تلقی کرده و از آن فرار می‌کنند، برخی دیگر آن را مشکلی تلقی می‌کنند که باید با آن برخورد نمود.

چگونگی برخورد والدین با این واقعی استرس‌آور به عوامل فردی، خانوادگی و محیطی بسیاری وابسته است. برخی از خانواده‌ها ممکن است موقعیت خود را بسیار تهدیدآمیز و غیرقابل کنترل برآورد کنند. در حالی که برخی دیگر از خانواده‌ها ممکن است به وجود استرس در چنین موقعیتی به عنوان یک چالش اضافی نگاه کنند و خود را برای سازگاری هر چه بهتر در این فرایند قوی‌تر سازند (مک کوپین و پاترسون، ۱۹۸۳).

دیجنف و لینچ^۲ (۲۰۰۶)، به توصیف خانواده‌های دارای فرزند ناتوان که نیاز به مداخله برای درمان دارند، می‌پردازند. آنها بیان می‌دارند که اعضای این خانواده‌ها ممکن است با مشکلات روان‌شناختی، افسردگی، اضطراب، کاهش حمایت‌های اجتماعی، مشکلاتی در رابطه با تغییر نقش‌ها، استفاده از ابزار و وسایل مورد نیاز، مشکلات ارتباطی و مسائل سلامتی و فیزیکی روبرو شوند. شیوچاک و الیوت^۳ (۲۰۰۰)؛ به نقل از فرین و همکاران، (۲۰۰۷)، بیان می‌دارند این مشکلات ممکن است بخشی از آن به دلیل افزایش هزینه‌هایی باشد که بیماری یا ناتوانی فرد به سیستم خانواده تحمیل می‌کند و بخشی از آن به دلیل افزایش بار مسئولیتی باشد که بر عهده‌ی اعضای خانواده گذاشته می‌شود.

بسیاری از خانواده‌هایی که کودکی با ناتوانی‌های رشدی دارند در مواجهه با مسائل و چالش‌ها سازگار می‌شوند. این خانواده‌ها با بالا بردن میزان تاب‌آوری^۴ خود به منظور بهتر کنار آمدن با این مسائل استرس‌زا سود می‌برند و بدین ترتیب خانواده می‌تواند کارکرد

1 - McCubinn
2 - Degeneffe & Lynch
3 - Shewchuk & Elliot
4 - Resilience

بهینه‌ای را داشته باشد. بسیاری از این خانواده‌ها منابع و عوامل مؤثری را که به آنان در اداره و مدیریت ناتوانی کودک و مواجهه با نیازهای دیگر اعضای خانواده کمک می‌کند، شناسایی می‌کنند. این‌گونه خانواده‌ها اغلب تجارب لذت بخشی را تجربه می‌کنند و مهارت‌ها و توانایی‌هایی را در نظارت صحیح بر موقعیتشان به دست می‌آورند (مک‌کالیون و تاسلند^۱، ۱۹۹۳؛ یاوو و لی‌تسانگ^۲، ۱۹۹۹).

تحقیقات شواهد فراوانی را از نقش مهمی که خانواده در فرایند سازگاری با ناتوانی در اشخاص ناتوان دارد فراهم می‌کنند. این شواهد و مدارک نشان‌دهنده این نقش مهم در فرایند بهبودی از یک بیماری یا ناتوانی می‌باشد (مک‌کوبین، بالینگ، پوساین، فریردیچ و براین^۳، ۲۰۰۲). از جمله عوامل خانوادگی که در این رابطه نقش دارند، می‌توان به وضع روابط بین زوجین، وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده، شدت و درجه ناتوانی کودک و میزان بهبودی که می‌تواند حاصل شود، اشاره کرد (گری، شپارد، مک‌کنلی روبرتسون و پنتلان^۴، ۱۹۹۴).

با توجه به درگیر شدن بیش از حد والدین با کودک معلول ممکن است سایر افراد خانواده دچار کمبود توجه و محبت شوند و یا مسئولیت بیشتری برای مراقبت از کودک ناتوان بر عهده آن‌ها گذاشته شود. به طور کلی وجود فرزند ناتوان بر مسائلی مانند روابط پدر و مادر با یکدیگر و سایر اعضای خانواده، وضعیت اقتصادی، جایگاه اجتماعی خانواده، احساسات مذهبی یا غیر مذهبی آنان تأثیر می‌گذارد (فاهی، ۲۰۰۵).

هانت و مارشال^۵ (۱۹۹۹)، بیان می‌دارند؛ از ویژگی‌های مهم خانوادگی که با سطح درآمد، تحصیلات و شغل مشخص می‌شود، وضعیت اقتصادی- اجتماعی است که ممکن است روی توانایی مشارکت خانواده در برنامه‌ی آموزشی کودک اثر بگذارد. اگر چه اکثر خانواده‌ها دوره‌هایی از فشار مالی را تجربه می‌کنند، اما برای تعدادی از خانواده‌ها نسبت به خانواده‌های دیگر، این مسأله مشکلی دائمی تلقی می‌شود. آنان همچنین بیان می‌دارند در این گونه خانواده‌ها معمولاً خواهران و برادران سالم به فراموشی سپرده می‌شوند و مهمترین انتظاری که از آنان می‌رود مراقبت از خواهر یا برادر ناتوان خود است که این امر گاه سبب ایجاد احساس خشم، گناه، افسردگی، پرخاشگری، مشکلات تحصیلی و مانند آن در آنان می‌شود و بدیهی است که بروز این مشکلات ثانویه برای سایر فرزندان فشارهای روانی والدین را افزایش می‌دهد.

1 - McCallion & Toseland

2 - Yau & Li-Tsang

3 - McCubbin, Balling, Possin, Friedrich & Bryn

4 - Gary, Shepard, McKinaly, Robertson & Pentland

5 - Hunt & Marshall

۱-۲- بیان مسأله

کودکان کم‌توان ذهنی و خانواده‌هایشان بعد از گذران یک دوره‌ی بحرانی در زمان تشخیص‌های اولیه، برای تمام عمر دست‌خوش فرایند سازگاری با مشکل به وجود آمده می‌شوند. این مشکل ممکن است آنها را از دوستان، آشنایان و دیگر اعضای فامیل دور نگه دارد. محدودیت در ارتباط‌های منطقی و صحیح این‌گونه خانواده‌ها با دیگران به دلیل وجود احساساتی نظیر خجالت، گناه و تمایل به پنهان کردن کودک موجب می‌شود تا آنان از انسان‌های دیگر فاصله بگیرند و ارتباطات خود را به حداقل برسانند، بنابراین جدا ماندن این‌گونه خانواده‌ها از جریان اجتماع امری طبیعی است. والدین زمانی که متوجه می‌شوند فرزند ناتوانشان از عهده‌ی تکالیف مورد انتظار بر نمی‌آید، غم و اندوهی مزمن همراه با افسردگی را تجربه می‌کنند (وایکلر^۱، ۱۹۸۱).

علی‌رغم درد و رنج، اکثر والدین سرانجام به جایی می‌رسند که قبول می‌کنند فرزندشان ناتوان است. بلاچر (۱۹۸۴)، این موضوع را تحت عنوان سازگاری و پذیرش بیان کرده است. در این مرحله با وجود این‌که احساس خشم، گناه و غم و اندوه ناپدید نشده‌اند، والدین قادرند پیشرفت کودک خود را تشخیص دهند، از آن خوشحال شوند و از کودک خود حمایت کنند. بلاچر بیان می‌دارد، احساس شوک، انکار، غم، خشم و پذیرش ممکن است بخشی از تجربه سازگاری و کنار آمدن با تشخیص ناتوانی در کودک باشد ولی این درست نیست که فرض کنیم این موارد سلسله‌وار و یکی بعد از دیگری ظاهر می‌شوند، بلکه این احساسات ممکن است در جریان تربیت کودک ظاهر شوند و باز گردند.

چگونگی پاسخ‌دهی والدین به استرس ناشی از داشتن فرزندی با نیازهای ویژه به دامنه وسیعی از عوامل و متغیرها بستگی دارد که بر تاب‌آوری آنها و توانایی سازگاری کودکانشان تأثیر می‌گذارد. از جمله این عوامل می‌توان به چگونگی تشریح موقعیت بحرانی، رضایت از روابط زناشویی، منابع حمایتی و چگونگی ساختار خانواده اشاره کرد (کواي-سانگ و لی تسانگ^۲، ۱۹۹۹؛ لازاروس^۳، ۱۹۹۱؛ به نقل از پرایتزلف، ۲۰۰۱). استفاده از نوع راهکاری که برای سازگاری استفاده می‌شود یکی از عواملی است که بیش از دیگر عوامل تأثیر می‌گذارد. ویژگی‌های شخصیتی اعضای خانواده، موقعیت مالی، سطح سواد، مهارت‌های حل‌مسأله و اعتقادات مذهبی از جمله دیگر عواملی هستند که بر روی توانایی تاب‌آوری و سازگاری خانواده با ناتوانی تأثیر می‌گذارند (بایلی و اسمیت^۴، ۲۰۰۰).

1 - Wikler

2 - Kwai-sang & Li-Tsang

3 - Lazarus

4 - Bailey & Smith

در نظر گرفتن حقوق بنیادی برای افراد ناتوان ذهنی از قبیل توسعه خدمات حمایتی، به افراد ناتوان و خانواده‌هایشان کمک می‌کند که به گونه‌ای فعالانه با ناتوانی سازگار شوند و همچنین خدماتی را برای این افراد و خانواده‌هایشان در مدیریت صحیح مشکلات فراهم می‌سازد که باعث بهبودی در عملکردهای سیستم خانواده می‌شود (کوهن، آگوستا، کوهن و وارنر^۱، ۱۹۸۹).

سازگاری با ناتوانی و تاب‌آوری در مقابل آن می‌تواند باعث رشد خانواده شده و انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده را بالا ببرد (ترنبال و ترنبال، ۱۹۹۰).

بنابراین با توجه به نقش مهمی که تاب‌آوری والدین و سازگاری با ناتوانی می‌تواند در رشد و پیشرفت افراد ناتوان و خانواده‌هایشان داشته باشد، جستجو و تحقیق در این حیطه می‌تواند ما را با این امور مهم و عوامل مرتبط با آنها آشنا سازد.

پژوهش حاضر با بررسی میزان سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر و تاب‌آوری در والدین آنها و همچنین بررسی تأثیر عواملی شامل؛ جنسیت و پایه‌ی تحصیلی دانش‌آموز کم‌توان ذهنی و سطح تحصیلات والدین، ما را با ابعاد این مسائل آشنا تر ساخته و در امر مشاوره، راهنمایی و توسعه‌ی خدمات حمایتی به این افراد و خانواده‌هایشان یاری می‌رساند.

۱-۳- اهمیت و ضرورت مسأله

در ابتدا یک دلیل عمده‌ی توجه به تحقیقات در حیطه‌ی خانواده در رابطه با عوامل خطرزایی بود که به دنبال خود تنش و استرس در مواجهه با شرایط بحرانی را به دنبال داشتند، عوامل خطرزایی مانند؛ وجود بیماری یا ناتوانی در اعضای خانواده. مطالعه و تحقیق در حیطه‌ی استرس خانواده در خانواده‌هایی که فرزندی با بیماری‌های مزمن یا ناتوانی‌های رشدی دارند، سازگاری با آن و نقشی که تاب‌آوری والدین می‌تواند در این بین داشته باشد، پهنه‌ی وسیعی از پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است. اهمیت این قبیل مطالعات به این دلیل می‌باشد که، این‌گونه خانواده‌ها با مسائل استرس‌زایی در طول چرخه‌ی زندگی خانوادگی‌شان مواجهه می‌شوند که این مسائل می‌تواند تأثیر معنی‌داری را بر روی کودک، والدین، دیگر اعضای خانواده (در خانواده‌های گسترده)، مدرسه و اجتماع بگذارد (ارنکرانتز، میلر، ورنبرگر و فوکس^۲، ۲۰۰۱).

1 - Cohen, Agosta & Warner

2 - Ehrenkrantz, Miller, Vernberg & Fox

این‌گونه خانواده‌ها، با مسائل درونی از قبیل: پریشانی‌های روانی، مشکلات زناشویی، کارکردهای خانوادگی ناکارآمد و همچنین با مسائل بیرونی از قبیل: افزایش بار مالی و نیازهای مراقبتی و سلامتی مواجهه می‌شوند (مارتین، روزن و اسپارسینو^۱، ۲۰۰۰؛ به نقل از مارتینز^۲، ۲۰۰۶).

در گذشته، اکثریت تحقیقات بر روی جنبه‌های منفی و بدکارکردی‌های بالقوه‌ای که ممکن است در زندگی آینده‌ی کودکان ناتوان و والدینشان رخ دهد تأکید داشتند. در حالی که جنبه‌های مثبت مسأله بسیار نادیده گرفته می‌شد (کازاک و ماروین^۳، ۱۹۸۴؛ بایلی و سایموسون^۴، ۱۹۸۸؛ به نقل از پرایتزلف، ۲۰۰۱). هم اکنون تحقیقات و بررسی‌های حرفه‌ای توجه خود را از سمت مسائل و مشکلاتی که مراقبان کودک ناتوان با آن روبرو هستند به سمت کارکردهای مثبت و قدرت و موفقیت خانواده برای سازگاری معطوف ساخته‌اند (یاوو و لی تسانگ^۵، ۲۰۰۰).

فرین و همکاران (۲۰۰۷)، بیان می‌دارند؛ سازگاری و تاب‌آوری در مواجهه با مسائل استرس‌زا که در نتیجه‌ی وجود ناتوانی یا بیماری در خانواده به وجود می‌آید به شدت تحت تأثیر منابع و توانایی خانواده برای سازگاری می‌باشد.

درک صحیح از مسائل و مشکلات کودکان کم‌توان ذهنی و خانواده‌هایشان نه تنها به خانواده‌های این کودکان بلکه به افراد متخصصی که در رابطه با این‌گونه افراد فعالیت می‌کنند، می‌آموزد تا نگرش خود را در جهت برنامه‌ریزی‌های صحیح آموزشی و پرورشی تغییر دهند.

بنابراین، با توجه به این‌که رشد توانایی‌ها و ظرفیت خانواده برای غلبه بر مشکلات و مسائل پیش آمده نیازمند مشارکت درمان‌گران، سیاست‌مداران و پژوهش‌گران در این زمینه می‌باشد و با توجه به خلأ تحقیقاتی در این رابطه، با انجام پژوهش حاضر می‌توان برخی از عوامل مرتبط با میزان تاب‌آوری والدین و میزان سازگاری با ناتوانی در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر را شناسایی و به رشد و گسترش مداخلات مؤثر در این رابطه یاری نمود.

- 1 - Martin , Rosen , Sparacino
- 2 - Martinez
- 3 - Kazak & Marvin
- 4 - Bailey & Simeonsson
- 5 - Yau & Li-Tsang